



دکتر حسین مهربانی فر
پژوهشگر فرهنگ و ارتباطات
همکار در اندیشکده مطالعات آمریکا

یادداشت تحلیلی

روایتی از مادران مجرد امروز در جامعه آمریکایی

بررسی تحولات امرجنسی و وضعیت زنان در آمریکا^۱

میلت^۶ در کتاب سیاست جنسی خود، بیان می‌کند که بعد از تحقق انقلاب جنسی در آمریکا، نظام سرمایه‌داری به منظور تولید و بازتولید خود، روابط ساختاریافته مبتنی بر قدرت نرم را صورت‌بندی کرد تا از طریق آن، زنان را تحت سلطه خود درآورد. به عبارتی وی معتقد است که سرمایه‌داری یک نظام مردسالارانه است که به نام آزادی زنان، تباهی آنان را رقم زده است.

در همین راستا، گابریل کوبی در کتاب انقلاب جنسی جهانی^۷، معتقد است که قربانی شدن و تباهی زنان در یک فرآیند توتالیتر نرم، اتفاق افتاده است؛ بدین گونه که در دهه ۱۹۷۰، مجلات، سینما و رسانه‌ها با بازنمایی این موضوع که انقلاب جنسی، همان تحقق آرزوها و اهداف جریان فمینیستی

روس تبار آمریکایی در نقد این تحولات معتقد است، توسعه نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم مبتنی بر مفاهیمی چون نسبی‌گرایی و فردگرایی به منظور تحقق آزادی و رهایی جنسی، منجر به دگردیسی و آنارشسیسم در ارزش‌های جنسی و جنسیتی، ساختار خانواده آمریکایی و نظم اجتماعی شده که به نوبه خود، وضعیت زنان در این کشور را هم متأثر نموده است.

در همین راستا، ماری ابرستاد در کتاب پارادوکس‌های انقلاب جنسی^۵، می‌گوید که یکی از شگفت‌انگیزترین جنبه‌های انقلاب جنسی، این است که ذینفع‌های اصلی آن - که زنان هستند - تضادها، مشکلات و مسائلی پیدا کرده‌اند که زنان غربی در قرن‌های گذشته، آن را تجربه نکرده بودند. همچنین کیت

یکی از مفاهیمی که در دهه‌های اخیر، توصیف‌کننده مناسبی برای تغییرات گسترده امرجنسی در جوامع غربی است، مفهوم انقلاب جنسی^۲ است که پیوندی ناگسستنی با وضعیت زنان در این جوامع دارد. به این معنا که گاه پویایی و تحولات امر جنسی به‌گونه‌ای است که نمی‌توان صحبت از بی‌نظمی یا آشوب جنسی کرد، بلکه حاصل این تغییرات و تحولات، شوریدگی یا باختن^۳ نظام معنایی سکسوالیته سابق است که پس از آن، شکل‌گیری نظم و سامان جنسی جدیدی را می‌توان انتظار داشت. به عنوان مثال، می‌توان به تغییرات گفتمان جنسی کشور آمریکا در دهه ۱۹۶۰ اشاره کرد. پیتریم سوروکین^۴، جامعه‌شناس

۱. جای دارد از زحمات دکتر ادریس راموز در تکمیل و ارائه اطلاعات برای تدوین این یادداشت، تشکر و قدردانی شود. لازم به ذکر است وی پژوهشگر و صاحب‌نظر و تحلیلگر مسائل جنسی و خانواده است.

2-Sexual revolution

3-Deformation

4-Pitirim Sorokin

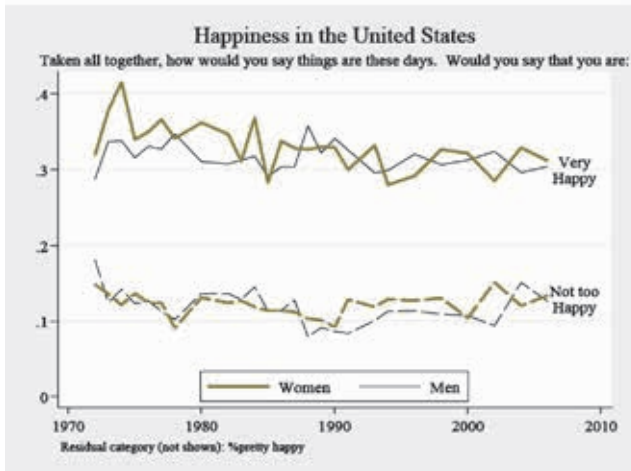
6-kate Millet

7-exual Politics

8-Gabriele Kubly, global sexual revolution

5-Mary Eberstadt, Paradoxes of the Sexual Revolution

Figure 1: Happiness in the United States, 1972-2006



نمودار ۱- نشاط در ایالات متحده، ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۶

نشاط و شادی زنان آمریکا:

در سال ۲۰۰۹، دو اقتصاددان مدرسه وارنون، بتسی استونسون^۵ و جاستین ولفرز^۶ نظرات زیادی در مورد مقاله خود درباره «تناقض کاهش خوشحالی زنان» دریافت کردند.^۷ آن‌ها با استفاده از داده‌های ۳۵ ساله حاصل از پیمایش اجتماعی عمومی، مشاهده کردند که با تغییرات اقتصادی و اجتماعی بسیار مدرن که به نفع زنان به نظر می‌رسد (اختلاف کم دستمزد، تحصیلاتی که از مردان بالاتر رفته است، آزادی جنسی منتقله از طریق روش‌های مصنوعی پیشگیری از بارداری و مواردی از این قبیل)، این انتظار می‌رود که ذینفعان این موارد،

5-Betsy Stevenson
6-Justin Wolfers
7-Betsy Stevenson and Justin Wolfers, "The Paradox of Declining Female Happiness", American Economic Journal: 190-25.

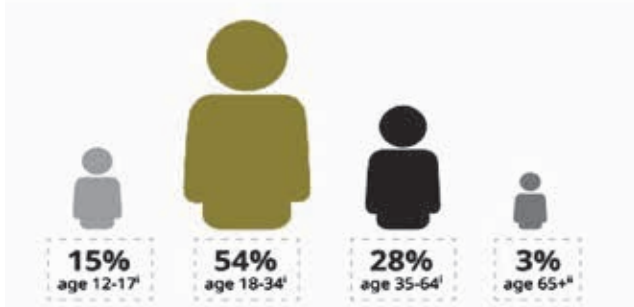
تنزل یافته است؟ از طرف دیگر و طبق واقعیت‌های موجود، آیا زنان ذینفع اصلی انقلاب جنسی در آمریکا هستند؟ بررسی مطالعات و سنجش‌های اجتماعی و فرهنگی سازمان‌ها و نهادهای مردمی و دولتی آمریکایی از وضعیت زنان، می‌تواند در ترسیم واقع‌بینانه‌ای از وضعیتشان در این کشور در طی دهه‌های اخیر داشته باشد که خود، پاسخی روشن در برابر سؤالات فوق به دست دهد. در ادامه برای دستیابی به تصویری کلی از وضعیت زنان جامعه آمریکا، چهار محور موضوعی مهم از زاویه مطالعات آماری صورت گرفته از وضعیت شناسی زنان در این کشور، مورد توجه قرار گرفته است.

است، نوعی توهم انقلاب زنان را برای مردم آمریکا به وجود آوردند، اما آنچه در واقعیت اتفاق افتاد، تقلیل هویت جنسیتی و نقش‌های جنسیتی زنان آمریکایی به هویت جنسی آنان بود. به اعتقاد میچ دیترا، «حقیقت واقعی در مورد انقلاب جنسی این است که رابطه جنسی را به یک حوزه‌ی نامحدود، نامنظم و در نتیجه غیرقابل کنترل در زندگی زنان، تبدیل کرده است».^۱ پیامد این رخداد، به ادعای آت وود^۲ شهوانی شدن جامعه آمریکا بود. مقصود از شهوانی شدن جامعه آمریکایی، قبح زدایی و عمومی شدن روابط جنسی بود که سابقاً تنها در ساختار خانواده قرار داشت و از سوی دیگر، بازتولید اروتیسم در صنایع فرهنگی، اقتصادی، هنر و... است که بنا بر اعتقاد اسکافیر^۳، این شهوانی شدن در تمام ابعاد فرهنگ آمریکایی از جمله صنعت سینما، نشریات، تئاتر، ادبیات، مد و... بروز و ظهور داشت.

حال سؤال اینجا است که این تغییر و تحولات در واقعیت امر، چه اثراتی بر وضعیت زنان در جامعه آمریکا داشته است؟ آیا وضعیت زنان به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم و همزمان با گسترش پیاده‌سازی آراء و مطالبات فمینیستی - آن‌طور که اندیشمندان فوق ادعا کرده‌اند -

1-Midge Deeter
2-Midge Deeter, The New Chastity and Other Arguments against Women's Liberation:80.
3-Attwood
4-Escoffier, 2000

THE MAJORITY OF SEXUAL ASSAULT VICTIMS ARE UNDER 30



نمودار ۲- اکثر قربانیان تجاوز جنسی زیر ۳۰ سال هستند

در ایالات متحده است و شواهد موجود حکایت از آن دارد که:

- خشونت جنسی در آمریکا متداول است؛ از هر سه زن، یک زن و از هر چهار مرد، یک مرد خشونت جنسی را با تماس فیزیکی در طول دوران زندگی خود تجربه کرده‌اند. تقریباً از هر ۵ زن، یک زن و از هر ۳۸ مرد، یک مرد، تجاوز کامل یا اقدام به تجاوز را تجربه کرده‌اند و از هر ۱۴ مرد، یک مرد در طول زندگی خود به فرد دیگر، تجاوز کامل یا اقدام به تجاوز نموده است.
- خشونت جنسی از سنین پایین و اولیه شروع می‌شود؛ از هر سه زنی که قربانی تجاوز جنسی بوده‌اند، یک نفر آن را برای اولین بار در فاصله سنی ۱۱ الی ۱۷ سال تجربه کرده و از هر ۸ مرد، ۱ نفر گزارش نموده که تجاوز قبل از ۱۰ سال، برای وی رخ داده است.

می‌کنند. از هر ۶ زن آمریکایی، ۱ نفر قربانی یک تلاش نافرجام یا کامل تجاوز در زندگی خود بوده‌اند (۱۴/۸ درصد کامل، ۲/۸ درصد نافرجام). از سال ۱۹۹۸، حدود ۱۷/۷ میلیون زن آمریکایی قربانی تلاش برای تجاوز یا تجاوز کامل بوده‌اند. ۸۲ درصد از تمام قربانیان نوجوان و ۹۰ درصد از قربانیان تجاوز به عنف زن هستند. زنان ۱۶-۱۹ ساله، ۴ برابر بیشتر از جمعیت عمومی هستند که قربانی تجاوز جنسی می‌شوند. زنان ۱۸ تا ۲۴ ساله که دانشجویان کالج هستند، ۳ بار بیشتر از زنان دیگر، خشونت جنسی را تجربه می‌کنند.^۳

مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها (CDC) در گزارش بازنشر یافته در مارس ۲۰۱۹، اذعان می‌کند که خشونت جنسی یک مشکل مهم

انسان‌های خوشحالی باشند. در عوض نتیجه این پژوهش، عکس آن چیزی بود که به نظر می‌رسد، بدین ترتیب، طی ۳۵ سال گذشته خوشحالی زنان کاهش چشمگیری داشته که نتایج، حاکی از پایین‌تر بودن شادی و نشاط آن‌ها از مردان است. به نوعی که می‌توان گفت همه دستاوردهای دوره فمینیسم، زنان را به ناراحتی، غم و سطح پایین شادی سوق داده است و در آمریکای پسا فمینیسم، مردها شدت‌تر از زنان هستند.

نمودار ۱ به خوبی گویای این تحولات و تغییرات از آغاز پیگیری و پیاده‌سازی مطالبات فمینیستی در دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۶ است.^۱

خشونت و تجاوز جنسی

بر اساس گزارش مؤسسه راین^۲ در مورد خشونت و تجاوز جنسی در آمریکا، هر ۹۸ ثانیه یک آمریکایی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد. به طور متوسط، ۳۲۱،۵۰۰ قربانی (۱۲ سال یا بیشتر) تجاوز جنسی و خشونت جنسی هر ساله در ایالات متحده وجود دارند. افراد جوان در معرض بیشترین خطر خشونت‌های جنسی قرار دارند. افراد ۱۲ تا ۳۴ سال، در معرض بیشترین خطر تجاوزهای جنسی هستند.

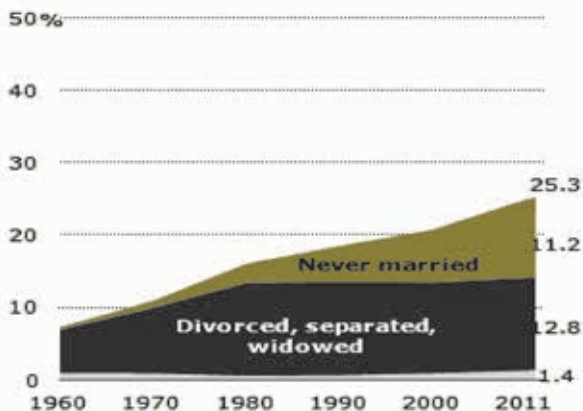
در این میان، زنان و دختران بیشترین نرخ تجاوزهای جنسی را تجربه

1 - <https://languagelog.ldc.upenn.edu/nll/?p=1456>
2 - aim institute

3 - <https://www.rainn.org/statistics/scope-problem>

Single Mothers, 1960-2011

% based on households with children under age 18



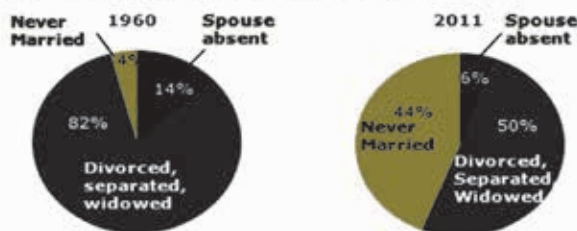
Note: Single mothers who are married but the spouse is not in the household are shown but not labeled.

Source: Pew Research Center analysis of the Decennial Census and American Community Surveys (ACS) Integrated Public Use Microdata Sample (IPUMS) files

نمودار ۳- مادران مجرد، ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۱

The Makeup of Single Mothers, 1960-2011

Among all single mothers with children under age 18



Note: Separated and widowed mothers are included in divorced, etc.

Source: Pew Research Center analysis of the Decennial Census and American Community Surveys (ACS) Integrated Public Use Microdata Sample (IPUMS) files

نمودار ۴- وضعیت مادران مجرد، ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۱

همچنین، گزارش اداره آمار نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۱، ۳۶ درصد از مادرانی که در سال گذشته صاحب فرزند بودند، ازدواج نکرده و اکثریت این زنان، (۸۷٪) هرگز ازدواج نکرده‌اند. (نمودار ۳)

درصد در سال ۱۹۶۰ به ۴۱ درصد افزایش یافته است. در همان زمان، نرخ طلاق به شدت در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ افزایش یافت و از سال ۱۹۸۰، کاهش یافته است.

- خشونت جنسی پرهزینه است؛ برآوردهای اخیر هزینه تجاوز به عنف را ۱۲۲,۴۶۱ دلار برای هر قربانی شامل هزینه‌های پزشکی، بهره‌وری ازدست‌رفته، فعالیت‌های دادرسی کیفری و سایر هزینه‌ها عنوان کرده است.^۱

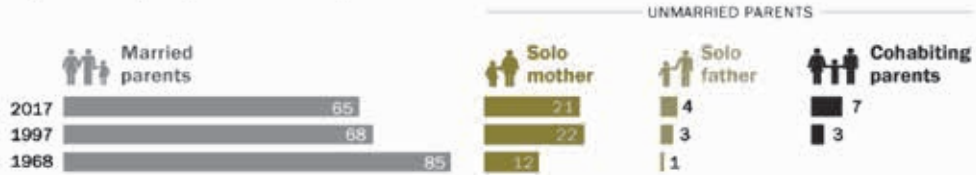
تجرد قطعی مادران آمریکایی

مقصود از مادران مجرد، مادرانی که شریکی برای کمک به پرورش کودکان خود ندارند و به همین دلیل، به طور پیش فرض، تنها ارائه‌کننده خدمات برای خانواده محسوب می‌شوند. مادران مجرد در آمریکا از دو گروه عمده تشکیل شده‌اند: مادران دارای فرزند از ازدواج قبلی و دیگری، مادرانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند. در پنج دهه گذشته، سهم مادرانی که ازدواج نکرده‌اند، در میان تمام خانواده‌های دارای فرزند کودک، افزایش یافته است، به طوری که از کمتر از ۱ درصد به بیش از ۱۱ درصد رسیده است. سهم مادرانی که طلاق گرفته، جدا شده یا بیوه هستند، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، افزایش یافته و طی سه دهه گذشته، حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد رشد داشته است. این الگوها به روند بلندمدت گسترده در تولدهای غیرزناشویی و طلاق گره خورده است. طبق آمار ارائه شده از سوی مرکز ملی آمار بهداشت، میزان تولد زنان مجرد در سال ۲۰۱۰، از ۵

¹ - <https://www.cdc.gov/violenceprevention/sexualviolence/fastfact.html>, March 12, 2019

About one-in-five children are living with a solo mom

% of children younger than 18 living with ...



Note: Children who are not living with any parents are not shown. Data regarding cohabitation available since 1997 only.
Source: Pew Research Center analysis of Current Population Survey March Supplement (IPUMS).

PEW RESEARCH CENTER

نمودار ۵- حدود یک پنجم از کودکان با مادران مجرد زندگی می‌کنند

مدرن علیه یکدیگر شوریده‌اند. چراکه بیشتر ناراحتی و بدبختی‌ای که بسیاری از زنان امروزی از آن صحبت می‌کنند، ترک یا کاهش رابطه جنسی نیست، بلکه ناشی از یک سیل جنسی است؛ سیلی از تصاویر خیالی مسموم که اکنون در بسیاری از افراد از دوران کودکی آغاز می‌شود که زنان و مردان را غرق کرده است تا در نهایت، آن‌ها را از هم دور و تنها کند. حداقل این نوع نگاه به این جورچین، می‌تواند برخی از تناقضات مربوط به ناخشنودی و تباهی زنان آمریکایی را توضیح دهد؛ زنانی که دیگر مادر نیستند و کالایی شدن و شیء وارگی، جزء وجودی و ذاتی این زنان شده است.

تنها زندگی می‌کنند. (۲۴ میلیون کودک زیر ۱۸ سال در حال زندگی با والد مجرد هستند که از میان آن‌ها، ۱۵ میلیون نفر با یک مادر مجرد زندگی می‌کنند) یافته‌های پژوهش اخیر مرکز تحقیقات پیو، حکایت از آن دارد که ۳۰ درصد مادران مجرد و خانواده‌های آن‌ها در مقایسه با ۱۷ درصد خانواده پدر مجرد و ۱۶ درصد خانواده‌ای که توسط یک زوج سرپرستی می‌شوند، در فقر زندگی می‌کنند.^۱ در مجموع، پس از بررسی آمار تغییرات فرهنگ جنسی آمریکا، اندیشمندان آمریکایی از قبیل ماری ابرستاد، نتیجه می‌گیرند که اگرچه در دنیای پس از انقلاب جنسی، رابطه جنسی از قبل راحت‌تر شده؛ اما روابط عاشقانه بسیار کاهش یافته است. این موضوع، شاید معمای اصلی‌ای باشد که زنان و مردان

در نتیجه، مادران مجرد امروز در مقایسه با همتایان نشان در گذشته، احتمال بیشتری دارد که هرگز ازدواج نکنند. در سال ۱۹۶۰، از مجموع مادران مجرد، هشت نفر از هر ده نفر (۸۲ درصد) طلاق گرفته، جدا شده یا بیوه بودند. ۱۴٪ مابقی نیز ازدواج کرده بودند، اما با همسرانشان در یک خانه زندگی نمی‌کردند. تنها ۴ درصد از مادران مجرد، هرگز ازدواج نکرده بودند. آرایش این گروه از سال ۱۹۶۰، به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. تا سال ۲۰۱۱، سهم مادران مجرد که هرگز ازدواج نکرده بودند، به ۴۴٪ رسید، درحالی‌که نیمی از مادران مجرد طلاق گرفته، جدا شده یا بیوه بودند.^۱ (نمودار ۴)

بر اساس گزارش «مرکز تحقیقات پیو»^۲ که در آپریل ۲۰۱۸ منتشر شده است، حدود ۲۰ درصد از کودکان زیر ۱۸ سال در آمریکا، با یک مادر

1 - <http://www.pewsocialtrends.org/2013/05/29/chapter-single-others/>
2 - Pew Research Center

3 - <https://pewrsr.ch/2Fm1qO1>